

نیمه دوم جشنواره فیلم فجر با برگزاری بخش مسابقه سینمای ایران سالن‌های را گرم کرد

# جشنواره آخرش خوشه

احسان ناظم بکایی

جشنواره سرد بود. همه منتظر بودند تا بالاخره یک فیلم، تیش قلب‌ها را بالا ببرد و بی‌خار ابشکنند. این اتفاق با «درباره‌الی» افتاد و خیلی‌ها را اساسی تکان داد و باعث شد خیلی‌های دیگر که نتوانستند به سینما بیایند، حسرت ندیدن آن را بخورند. مابقی فیلم‌ها نه به نسبت «درباره‌الی» ولی تا حدی موفق‌تر عمل کردند. «بی‌پولی» نعمت‌الله گام‌رو به جلو و طنازانه‌ای بود؛ هر چند به نظر، آن چفت و بست بوتیک را نداشت. «عیار ۱۴» پرویز شهبازی عقب‌گردی برای سازنده «ففس عمیق» بود. واروژ کریم‌مسیحی در «تردید»، انتظار ۱۷ ساله را با کپی هملت بر آورده نکرد. «پستچی سه بار در نمی‌زند» فتحی گام موفق‌تری در ساخت فیلم‌های ترسناک بود؛ البته به شرط بی‌خیالی شدن از پندهای اخلاقی‌اش. شهرام مکری مخاطبان «شکان» و... را راضی از سالن بیرون برد به امید اینکه این استعداد تازه، به زودی باز هم بدرخشد. «شبانه‌روز» علی‌محمدی - بنکدار یک فیلم فرمی کارت پستالی بود و... موقعی که شما این مطلب را می‌خوانید، جشنواره بیست و هفتم تمام شده و سیم‌رغ‌ها با همه دبدبه و کبکبه‌شان در کنج گنجه‌ها و دکور خانه‌های صاحبان‌شان جا گرفته‌اند اما ما وقتی به این مطلب رسیدیم که تازه فهرست نامزدها معلوم شده بود و «درباره‌الی» و «تردید» با ۱۰ نامزدی در رشته‌های مختلف بیشترین شانس شکار سیم‌رغ را داشتند. در این ۱۰ صفحه گزارش و نگاهی داریم به فیلم‌های مطرح نیمه دوم جشنواره. پرونده مفصل‌تر زمان هم بماند برای شماره بعد.

## عیار ۱۴/ پرویز شهبازی

بعد از چند روز سرد اول جشنواره، همه منتظر دیدن یک فیلم خوب بودند. سانس دوم سینما فلسطین، شلوغ‌تر از سانس ظهر روزهای قبل بود. همه آمده بودند خارطه خوش «ففس عمیق» را زنده کنند. پرویز شهبازی هم توی سالن بود؛ لیخند می‌زد و به سلام و علیک‌های گرم جواب می‌داد. اما توی سالن، درجه گرمای فضا تغییر کرد. تیتراژ فیلم که بالا آمد، گروهی از هیجان دست زدند و گروهی ماتشان برد از چیزی که دیده بودند. بعد از ۹۰ دقیقه، تقریباً همه اعضای هر دو گروه، به سالن ۳ فلسطین رفتند تا حرف‌های شهبازی را دربار «عیار ۱۴» بشنوند. سالن پر بود. خیلی‌ها ایستاده بودند. پشت میز و صندلی‌ای که جلوی‌ش نوشته شده بود پرویز شهبازی خالی بود. کامبیز دیرباز و مینا ساداتی و مجری برنامه حاج و واج ماندن بودند. دیرباز که نمی‌دانست از کی باید ببرد شهبازی کجاست، مدام با

## بی‌پولی/ حمید نعمت‌الله

## بوتیک؛ چند سال بعد

دوشنبه ۲۱ بهمن، تقریباً برای همه اهالی مطبوعات و آنهایی که روزهای جشنواره را در سینما فلسطین گذراندند، روز آخر بود و سانس ظهر، سانس آخر. اتفاق آخر هم چیزی نبود جز «بی‌پولی»؛ یکی از فیلم‌هایی که خیلی‌ها منتظر دیدنش بودند تا قضاوت کنند که حمید نعمت‌الله موفقیت «بوتیک» را تکرار می‌کند یا نه. لایه‌لای جمعیت، هم حمید نعمت‌الله بود، هم هادی مقدم‌دوست که با نعمت‌الله فیلمنامه را نوشته بود و هم بهرام رادان که تقریباً یک‌ریمی قبل از شروع نمایش فیلم رسیده بود، نشسته بود روی یکی از صندلی‌های ردیف وسط و با خیال راحت بولتن جشنواره را ورق می‌زد و انگار



## اخراجی‌ها ۲/ مسعود ده‌نمکی

## این داستان ادامه دارد

می‌ترکانند! این فیلم به احتمال زیاد رکورد سری اولش را می‌زند. از همین استقبال و هجوم مردم به سینماها و حتی سالن‌های اهالی مطبوعات که منتقدها با وجود نچینج کردنشان از نیم ساعت قبل از آغاز فیلم در آن جا گرفته بودند، می‌شود این‌را فهمید. ده‌نمکی در «اخراجی‌های ۲»، دو جین بازبگر آورده که نیمی از آنها برای ترکاندن گیشه کافی است؛ حیایی، عبدی، رضویان، شریفی‌نیا، خداداد، فروزنده، نواب‌صفوی و... فیلم خیلی خوب شروع



ببویسی و خنگی‌اند. مطمئناً این فیلم برای اسرا و خانواده‌هایشان، یک توهین و بی‌احترامی است. آن چیزی که ما در کتاب‌های خاطرات اسرا خواندیم، هولناک‌تر و مخوف‌تر از اینی است که عراقی‌ها با باتوم‌های پلاستیکی بادمجان شکل به جان اسرا بیفتند؛ حتی روایت ربه‌شدن هواپیما هم غیرعادی است. «اخراجی‌های ۲» ملغمه‌ای از آدم‌های بی‌شناسنامه اما خب، ده‌نمکی خوب می‌داند مخاطبش سرگرمی و خنده می‌خواهد و البته خودش هم جار و جنجال و حاشیه.

■ ان.ب

## درباره‌الی / اصغر فرهادی

فیلم می‌بینید اصلاً احتیاجی نبوده رودست بخورید. فیلم آن قدر خوب و منطقی چیده شده که احتیاجی نبوده فرهادی در آن به کسی رودست بزند؛ هر چند شاید بزرگ‌ترین رودست‌زدن در فیلم فرهادی همین دلستان صاف و ساده باشد که تمام پیش‌بینی‌ها را نقش بر آب می‌کند. «درباره‌الی» فیلم شیرینی است که تلخ تمام می‌شود. شاید آن دیالوگی که شهاب حسینی در ماشین با ترانه علی‌دوستی دارد، بهترین توصیف فیلم باشد: «یک پایان تلخ بهتر از یک تلخی بی‌پایان است». نکته: با تقدیر دوباره از اصغر فرهادی که شهاب حسینی و مرلا زارعی را احیا کرده و استعداد باز یگری پیمان معادی و منی حقیقی را بیرون کشیده.

■ مهدی امیرپور

منتظر گره‌های عجیب فیلم هستند که باز نشدن آن، همه را میخکوب کند. فیلم هم در این فضا پیش می‌رود. به سنت همیشگی فرهادی نیمه‌ابتدایی فیلم شاد است و البته حالا دیگر قابل پیش‌بینی است که هر قدر این شادای در فیلمنامه‌های فرهادی بیشتر باشد، پایان‌بندی آن غم‌انگیزتر خواهد بود. این فرمول در «درباره‌الی» هم اجرا می‌شود. نیمه شاد اول که اصغر فرهادی که در «چهارشنبه‌سوری» با مانور روی موضوع «خیانت» فیلمی به‌دور از کلیشه‌های سینمای ایران می‌سازد و تماشاگر پس از هر سکانس، رودست می‌خورد تا به سکانس بعدی برسد، این مرتبه با «درباره‌الی» باز هم به تماشاگران رودست می‌زند؛ تماشاگرانی که به قدر کافی در «چهارشنبه‌سوری» و البته فیلمنامه «ادیره زنگی» از فرهادی رودست

خورده‌اند، این بار از ابتدای فیلم

## پایان تلخ و تلخی بی‌پایان

اصغر فرهادی به قله فیلمسازی در ایران رسیده و این اتفاق خرسندی است. در روزگاری که تک‌تک سینماگران ریش‌سفید با فیلم‌های خود تماشاگران را ناامید می‌کنند، اصغر فرهادی فیلم به فیلم و فیلمنامه به فیلمنامه همچنان انگیزت‌تری می‌شود. اصغر فرهادی که در «چهارشنبه‌سوری» با مانور روی موضوع «خیانت» فیلمی به‌دور از کلیشه‌های سینمای ایران می‌سازد و تماشاگر پس از هر سکانس، رودست می‌خورد تا به سکانس بعدی برسد، این مرتبه با «درباره‌الی» باز هم به تماشاگران رودست می‌زند؛ تماشاگرانی که به قدر کافی در «چهارشنبه‌سوری» و البته فیلمنامه «ادیره زنگی» از فرهادی رودست

خورده‌اند، این بار از ابتدای فیلم

## پستچی ۳ بار در نمی‌زند / حسن فتحی

## این ۳ عزیز!

«پستچی ۳ بار در نمی‌زند» را (البته به جز چند دقیقه پایانی‌اش) به ۳ دلیل می‌توانید ببینید:

۱- فیلم ترسناک خوش ساخت ایرانی دیده‌اید؟ تجربه‌های قبلی انگشت‌شمار فیلم ترسناک ایرانی مثل «خوابگاه دختران» را می‌توانید بی‌خیال شوید و به تماشای فیلمی بروید که سکانس‌های ترسناکش هیچ کم از نمونه‌های هالیوودی ندارد و معلوم است برای خوش ساخت در آوردن آنها هم فتحی و هم عوامل فنی فیلم خودشان رابه آب و آتش زده‌اند تا تماشاگر فیلم ترسناک چسبیده این روزها را برای چند لحظه هم که شد،

غافلگیر کنند



## ۲- یک فیلم با دیالوگ‌های جاندار در این چند وقت دیده‌اید؟ در این حیطی دیالوگ خوب و به یادماندنی در سینمای ایران، با تماشای این فیلم، ۹۰ دقیقه زیر رگبار دیالوگ‌های جاندار پینگ‌پنگی پر از ضرب‌المثل و اصطلاحات و نیش و کنایه قرار می‌گیرید؛ آن هم با ۳ حال و هوای مختلف قاجار، جاهلی و جوانانه امروزی؛ دیالوگ‌هایی که جان می‌دهد برای تکرار کردن در جمع‌های خودمانی.

## ۳- یک فیلم با روایت‌های موازی عامه‌پسند ایرانی دیده‌اید؟ ایده اصلی و جذاب قصه روایت ۳ داستان مختلف مربوط به ۳ دوره زمانی در یک ساختمان مخروبه است که کم‌کم به هم پیوند می‌خورند و مایه اصلی فیلم راسر و شکل می‌دهند؛ روایت‌هایی که این قدر جذاب و پرکشش و دور از انبام‌ها و پیچیدگی‌های معمول این نوع فیلم‌ها در کنار هم جلو می‌روند که مخاطب عادی را هم تا آخر با خود همراه می‌کند

■ محمد جباری

